

# حوادث۱۹

«**کوتاه‌از حوادث**»



تصادف یک دستگاه اتوبوس مسافربری با یک دستگاه تریلی باری در کیلومتر ۳۰ مسیر اصلی سقز- دیواندره ۲ کشته و ۱۷ مصدوم برجای گذاشت.

سپروان فتاحی، رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی شهرستان سقز به فارس گفت: این اتوبوس متعلق به مسیر کرمانشاه- ارومیه بوده که با تریلی باری در محدوده روستای خُنیان تصادف کرد. راننده اتوبوس و یک مسافر زن جان باختند. حال سه نفر از مصدومان وخیم است و ۱۴ نفرهم تحت درمان قرارگرفتند.



مرد ۳۰ ساله که اقدام به راه‌اندازی صفحه و انتشار عکس‌های مدلینگ در فضای مجازی می‌کرد در مردودشت بازداشت شد. سرهنگ فرشید زینلی، فرمانده انتظامی مردودشت استان فارس گُفت؛ با رصد فضای مجازی توسط کارشناسان پلیس فتای شهرستان مردودشت مشخص شد فردی ناشناس با ایجاد صفحه حاوی تصاویر شخصی بانوان با پوشش‌های نامناسب، فعالیت می‌کند که پیگیری پرونده به‌صورت ویژه در دستور کار کارشناسان پلیس فتا قرار گرفت. عامل ایجاد صفحات مدلینگ در شبکه اجتماعی اینستاگرام که مردی ۳۰ ساله بود شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی دستگیر شد. متهم اعتراف کرد که با سوءاستفاده از تصاویر خصوصی خانم‌ها و با انگیزه کسب درآمد دست به این کار زده است.

**بازگشت کودک گمشده به خانه**
یک کودک چهار ساله کروال که راه خانه‌شان را گم کرده بود از سوی پلیس پیدا و نزد خانواده‌اش بازگشت.

سرهنگ علی عزیزیان، فرمانده انتظامی هرسین به ایرنا گفت: این کودک چهار ساله همراه مادر خود به خانه مادربرگزش می‌رود اما پس از دقایقی که برای بازی کردن از خانه بیرون رفت، ناپدیدشد. کودک وقتی راه بازگشت به خانه راگم می‌کند گریان در کوچه‌ها سرگردان شده و پرسه می‌زند که ماموران گشت کلاترزی ۱۲ هرسین با وی برخورد و زمانی که نام و آدرسش را می‌پرسند متوجه کرو لال بودن او می‌شوند. وی افزود، با تلاش‌های بی‌وقفه ستوان سوم فردین رجبی و کارمند ناهید بختیاری پس از حدود چهار ساعت خانواده کودک شناسایی و به آنها تحویل شد.

**اعدام قاتل مرد کارخانه‌دار**

مردی که با انگیزه سرقت، مرد کارخانه‌داری را کشته بود بعد از ده سال در زندان اعدام شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، این مرد و دوستش در کارخانه فردی در تهران با هم کار می‌کردند. آنها ۱۲۹ دیهیبشت ۹۰ با انگیزه سرقت اموال و گاوصندوق مرد کارخانه‌دار، او را با سیم خفه و جسدش را در کارخانه تولید وسایل گرمایشی و سرمایشی دفن کردند. آنها بعد از دستگیری اعتراف کرده و روانه زندان شدند و در تحقیقات بعدی جنایت را برگردن یکدیگر انداختند. مدتی بعد در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شده و اولیای دم برای متهمان قصاص خواستند. متهم نخست در دفاع از خود در دادگاه گفت: در کارخانه مقتول کار می‌کردم که چند نفر سمر کلاه گذاشتند و بی پول شده و تصمیم به سرقت پول‌های گاوصندوق گرفتم. شب حادثه هم‌کارم آمد، مرد کارخانه‌دار را خفه کردیم و جسد را در خانه خودش دفن کردیم. متهم دوم در جایگاه قرار گرفت و مدعی شد دوستش قاتل است و نقشی در ماجرا نداشته است. متهمان حکم قصاص گرفتند و با اعتراض آنها پرونده به شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور ارسال و قرار شد متهمان دوباره محاکمه شوند که یکی از آنها قصاص گرفت و متهم دیگر به زندان محکوم شد. پرونده عامل جنایت که حکم قصاصش تأیید شده بود به شعبه اول اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد و در ادامه دختر مقتول درخواست دیه کرد که خانواده پدرش سهم دیه او را پرداخت‌کرده و سحرگاه دیروز حکم قصاص اجرا شد.



مناسبی رها شده بود، سقوط کرد و به دلیل عمق آن، قادر به بیرون آمدن نبود. آتش‌نشانان با استفاده از ابزار تخصصی نجات و به‌وسیله نردبان دستی وارد چاه شده و این حیوان را بدون هیچ‌گونه آسیب‌دیدگی از داخل چاه به بیرون انتقال داده و سپس در محییة آزاد در بیرون از شهر رها کردند.



می‌شد، با کشف خودرو احتمال قتل راننده با انگیزه سرقت مطرح شد و کارآگاهان دریافتند او آخرین بار با مرد جوانی دیده شده است.تحقیقات برای شناسایی این مرد آغاز و در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شد. متهم پس از انتقال به پلیس آگاهی به این قتل اعتراف کرد و گفت: روز حادثه به دلیل این که خودروی پیکانم نیاز به تعمیر داشت و پولی برای درست‌کردن آن نداشتم تصمیم به سرقت لوازم خودرو گرفتم و به میدانی که خودروهای پیکان وانت در آنجا حضور داشتند رفتم و مقتول را بهانه انتقال بار به باغی که در آن ساکن هستم، کشاندم و داخل باغ با ضربه به سر راننده او را کشته و جسدش را در چاه خشکی که در پشت باغ وجود دارد، انداختم. در ادامه تیمی از ماموران پلیس آگاهی و امدادگران آتش‌نشانی راهی باغ شده و جسد مقتول را از عمق چاه خارج کردند.

## محاکمه دختر جوان که ۳ نفر را اجیر کرد تا پسر مورد علاقه‌اش را کتک بزنند حمله مرگبار به پسر جوان برای ازدواج

جلسه، شهاب برای چهار متهم درخواست اشد مجازات را کرد و گفت: «من به سارینا گفته بودم که شرایط ازدواج ندارم، ولی او رابطه‌اش را قطع نمی‌کرد. وقتی هم فهمید دیگر قصدی برای برگشت ندارم، سه نفر را اجیر کرد که مرا تا سرحد مرگ کتک بزنند. من او را فریب ندادم و با خیالباپی فکر می‌کردم می‌تواند در کنار من زندگی خوبی داشته باشد.» در ادامه سارینا در جایگاه قرار گرفت و گفت: «شهاب پس از آشنایی به من وعده ازدواج داد. او می‌دانست عاشقش شده‌ام و به همین خاطر مرا طرد کرد. شهاب با احساسات من بازی کرد، به همین دلیل به فکر انتقام افتادم. بعد از آشنایی با وحید، ماجرای شهاب و افسردگی بعد از این ضربه را تعریف کردم. او دلش برای من سوخت و تصمیم گرفت در این انتقام کمکم کند. به همین دلیل خواست شهاب را به حوالی پرنده بکشانم. طبق نقشه او عمل کردم و سینا و دوستانش شهاب را کتک زدند. من نمی‌دانستم آنها طلاهای شهاب را سرقت کرده‌اند.» سپس سینا در جایگاه قرار گرفت و گفت: «من به خاطر سارینا از دوستاتم خواستم که با من همراه شوند. خودم داخل ماشین شهاب نشستم و گردن‌بند و دست‌بند طلای او را سرقت کردم. سارینا از ماجرای سرقت اطلاعی نداشت.» دو متهم دیگر نیز منکر اتهام خود شده و گفتند: ما از نقشه شهاب خبر نداشتیم و فقط او را همراهی کردیم. پس از دفاعیات متهمان، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

به محل حادثه در مسیر شمال به جنوب بزرگراه چمران، نرسیده به پل مدیریت اعزام شدند.

به گفته حسن امیدوار، فرمانده آتش‌نشانان اعزامی، یک قلاده سگ به علت نامعلومی درون چاهی به عمق چهار متر که در فضای سبز حفر و بدون درپوش

یک قلاده سگ که در عمق چهار متری چاه گرفتار شده بود با کمک آتش‌نشانان نجات یافت.

به گزارش جامعه ۲۴ ساعت ۱۵وا ۱۵دقیقه سه‌شنبه طی تماس تلفنی شهروندان با آتش‌نشانی تهران، یک گروه از آتش‌نشانان ایستگاه ۲۵

## مرد ایرانی در گفت‌وگو با جام جم از شرایط سخت زندان گرجستان گفت قتل در تفلیس، بخشش در تهران



بیست و سوم اسفند بود که یک بار ساعت ۱۱ صبح به دفترش رفتم اما جلسه داشت و ساعت ۱۴ دوباره برگشتم.

در همان خیابانی که دفتر تاجر ایرانی بود از یک دستفروش خنجر را خریدم چون زیبا و تزئینی بود. فکر نمی‌کردم با آن مرتکب قتل شوم. **دعواتان سرچه بود؟** طرحی درباره کسب و کار نوشته بودم. بر دم تا او آن را بخواند و برای اجرایی کردن آن کمکم کند. مرد تاجر آن را خواند و گفت ایده آن اجرایی نمی‌شود و بهتر است دنبال یک حرفه دیگر بروم. با شنیدن این حرف‌ها ناراحت و عصبانی شدم. یک لحظه با خنجری که داشتم ضربه‌هایی را به گردن و سینه‌اش زدم که او فوت شد. گوشی تلفن همراه، نوت‌بوک و لپ‌تاپش را برداشتم و گمان می‌کردم داخل آن مطالب و محتویات مفیدی درباره کسب و کار و تجارت باشد که به نفع خودم از آن بهره بگیرم.

**بعد از فرار کجا رفتی؟** ساعاتی در کوچه‌های تفلیس سرگردان بودم و بعد به اتاق شماره ۳۶ کمپ پناهجویان سیاسی که در نزدیکی‌های یک روستا در گرجستان بود رفتم و پنهان شدم. خنجر و وسایل همراهم بود. عذاب وجدان سراغم آمد و رفتم موضوع قتل را به رئیس کمپ گفتم که او مرا به پلیس لوداد و بازداشت شدم. **در گرجستان محاکمه‌شدی؟** بله. در دادگاه به دروغ می‌گفتم با انگیزه سیاسی او را کشتم اما بعد واقعیت را گفتم. دادگاه مدنی آنجا مرا بابت قتل به ۱۴ سال حبس و بابت سرقت اموال مقتول چهار سال حبس محکوم کرد. به این رای اعتراض کردم که چند سالی از آن کم شد. اگر در زندان تفلیس می‌ماندم تا دو سال دیگر محکومیتم تمام می‌شد و آزاد بودم. این کشور مجازات قصاص ندارد. قاتل به هفت تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شود.

**وضعیت زندان‌های گرجستان چطور بود؟** وضعیت آنجا خیلی سخت بود. طبق قوانین قضایی این کشور کسی که قاتل است باید چهار تا پنج سال اول محکومیتش را در یک زندان بسته سپری کند. بعد از آن به زندان تفلیس یا همان بند عمومی زندان منتقل شدم. برخی‌ها نمی‌توانستند شرایط زندان بسته را تحمل کنند و جانشان را از دست می‌دادند. **وضعیت تور در زندان چگونه بود؟** چهار سال و نیم در زندان بسته گرجستان بودم. یک اتاق برای زندانی‌ها بود که گاهی

## ربودن پسر دانش آموز برای اخاذی ۴۰۰ هزار دلاری

تهران به جریان افتاد. در ادامه تحقیقات پلیسی، مردی به تلفن پدر الیاس زنگ زد و برای آزادی پسرش درخواست ۴۰۰ هزار دلار کرد. او تهدید کرد اگر پلیس خبردار شود، گروگان را به قتل می‌رساند. تحقیقات نشان داد آدم‌رباها با شماره تلفن‌های مختلف با این خانواده تماس می‌گیرند.

همچنین در ۱۰ روزی که پسر ۹ساله را به گروگان گرفته بودند، چهار فیلم از این کودک گرفتند و از طریق واتس‌اپ برای خانواده او ارسال کردند که در آن الیاس به شدت گریه می‌کرد و با التماس از پدر و مادرش می‌خواست به خاطر خدا پول را بدهند تا او آزاد شود.

جست‌وجوهای شبانه‌روزی مأموران برای دستگیری آدم‌رباهای فراری و نجات جان گروگان ۹ساله ادامه داشت تا این‌که مأموران رد خانه‌ای در خاور شهر را به دست آوردند که گروگان در آنجا نگهداری می‌شد. مأموران دیروز چهارشنبه دوازدهم آبان امسال به آنجا اعزام شدند و با دستگیری سه آدم‌ربا، گروگان را نجات دادند و او تحویل خانواده‌اش شد.

متهمان به اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران منتقل شدند. یکی از آنها که از دوستان خانوادگی شاکي بود، در جریان تحقیقات پلیسی گفت: در جریان رفت‌وآمد به بنگداری شاکي فهمیدم پولدار است و فرزندی دارد. نقشه ربودن او و اخاذی ۴۰۰ هزار دلاری از وی را طراحی کردیم. بچه را به مسیر مدرسه روده و به خانه‌ای بردیم، ماجرا را به مدیر مدرسه گفتم. مدیر مدرسه که به ماجرا مشکوک شده بود، سریع با خانواده الیاس تماس گرفت و ماجرا را برای آنها تعریف کرد. ساعتی بعد پدر الیاس به اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران رفت و ناپدید شدن پسرش را خبر داد. پرونده با دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی

### نجات سگ از عمق چاه ۴متری

یک قلاده سگ که در عمق چهار متری چاه گرفتار شده بود با کمک آتش‌نشانان نجات یافت.

به گزارش جامعه ۲۴ ساعت ۱۵وا ۱۵دقیقه سه‌شنبه طی تماس تلفنی شهروندان با آتش‌نشانی تهران، یک گروه از آتش‌نشانان ایستگاه ۲۵